

دلایل زیاندهی سهام صنعت بانکداری و علل خرید این سهم در بازار

دلایل زیاندهی صنعت بانکداری و علت اصلی تمایل شرکت های بزرگ به خرید سهام بانکهای زیانده چه می‌تواند باشد؟!

به گزارش گروه خبرنگاران بورس، بانک و بیمه گزارش خبر، محمدرضا برهانی درباره صنعت بانکداری که یکی از گروه های بزرگ و مهم بازار سرمایه بشمار می رود با انتشار متنی با عنوان «بانکداری در ایران؛ پرسود و پرخطر» اعلام کرد: تا به کنون با جیب خالی خرج کرده‌اید؟ شاید غیر ممکن به نظر بیاید اما این موضوع یکی از دلایل اصلی ورود بسیاری از فعالان اقتصادی به کسب و کار بانکداری است!

پاسخ به چند سؤال برای محرز شدن زیاندهی بانک ها برای دانستن اینکه آیا بانکداری در ایران سودده است یا زیانده کافی است به چند سوال پاسخ داده شود :

سوال اول: آیا عملیات اصلی بانکی (تجهیز و تخصیص پول) به صرفه است؟ نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی چقدر است؟ به عبارتی بانکها پول را در چه نرخی تجهیز می‌کنند و به چه قیمتی اختصاص می‌دهند؟

پاسخ: طبق بخشنامه‌های رسمی، حداکثر سود تسهیلات بانکی ۱۸ درصد است. با در نظر گرفتن هزینه‌های سربار و حق‌الوکاله و سپرده قانونی و با محاسبه ساده، یک بانک برای سودآور شدن امکان پرداخت بیش از ۵.۱۳ درصد سود به سپرده‌های بانکی را نخواهد داشت. این در حالی است که نرخ حداکثر تعیین شده برای سود سپرده‌های بانکی هم ۱۸ درصد است و البته ساز و کار عرضه و تقاضای بازار نرخ بیش از این را نشان می‌دهد. بنابراین سود آور بودن ساز و کار عملیات اصلی بانکی (سپرده‌گیری و تسهیلات دهی) مورد تشکیک است!

سوال دوم: آیا ارائه خدمات کارمزدی بانکی به صرفه است؟ بانکها از خدمات چه میزان سود دریافت می‌کنند؟

پاسخ: در شرایطی که درآمدهای کارمزدی بخش قابل توجهی از درآمدهای صنعت بانکداری در دنیا را شکل می‌دهد، آمارها و صورت‌های مالی نشان می‌دهد هزینه‌های کارمزدی بانکها حتی برای پرداخت هزینه‌های اداری و عمومی هم کافی نیست. در فضای اقتصاد تورمی، نرخ کارمزدهای خدمات الکترونیک و تعهدی بانکی سالانه بروز نمی‌شود و هر چند سال یکبار و پس از اعمال فشار تشکلهای بانکی تغییر می‌کند که این موضوع هم به سودآور نبودن عملیات بانکی دامن می‌زند.

با پاسخ به همین دو سوال می‌توان استنتاج کرد که بانکداری در ایران کسب و کاری زیانده است. گزاره‌ای که بخش درآمدهای عملیاتی صورت‌های مالی اکثر بانکها از آن پشتیبانی می‌کند.

علت اصلی تمایل شرکت های بزرگ به خرید سهام بانک های زیانده

اگر به عنوان یک سرمایه‌گذار، کسب و کاری را معرفی کنند که نه درآمدهای عملیاتی اصلی سودآور است و نه در فضای عمومی جامعه از محبوبیت بالایی برخوردار است، آیا این کسب و کار برای سرمایه‌گذاری انتخاب می شود ؟ علی‌القاعده جواب منفی است اما شرکت‌های بزرگی برای تبدیل شدن به سهامدار عمده بانکها حاضرند هزینه‌های سنگینی بپردازند.

بنگاه‌های بزرگ که پروژه‌های کلان صنعتی و ساختمانی را اجرا می‌کنند معمولاً در اجرا و به نتیجه رساندن این پروژه‌ها عجله دارند. علت این موضوع را باید در تورمی بودن اقتصاد و کاهش ارزش پول جست و جو کرد. در شرایطی که بین این مواد اولیه و ماشین‌آلات امروز خریداری شود یا فردا تفاوت چشم‌گیری وجود دارد و دسترسی به منابع مالی اهمیت دو چندان پیدا می‌کند.

واقعیت این است که تداوم شوک‌های تورمی قاعده بی‌اثر بودن پول را کمرنگ می‌کند و در بازار ایران، خرید دارایی‌ها اعم از دارایی‌های ثابت و جاری به سنتی معمول برای مدیران مالی تبدیل شده است. در چنین بازاری مدیر مالی یک هلدینگ اقتصادی با پروژه‌های متعدد ملی برای تداوم جریان نقدی کسب و کار چه تدبیری می‌اندیشد؟ در چنین شرایطی یا باید بانکی را برای همکاری مستمر پیدا یا بانکی را تاسیس یا خریداری کرد !

از آنجا که برای بانکها، جریان عادی عملیات بانکی چندان به صرفه نیست و به همین دلیل هم نمی‌توان به ایجاد رابطه پایدار و بلندمدت با بانک بدون داشتن ارتباط عمیق مالکیتی دل خوش کرد و از طرفی مجوزی هم برای تاسیس بانک صادر نمی‌شود، لذا راهی جز خرید عمده سهام یک بانک باقی نمی‌ماند. پس یک کسب و کار زیانده خریداری می شود تا از منافع حاشیه‌ای بهره‌مند شد. منافعی که با حفظ و استمرار جریان نقدینگی تامین می‌شود.

با داشتن رابطه مالکیتی می توان به جریان نقدینگی حاصل از عملیات بانکی نزدیک و نزدیک‌تر شد. جریانی که در صورت وخیم شدن اوضاع نقدینگی بانک به اضافه برداشت نزد بانک مرکزی منجر و با تذکرات و نظارت‌های بانک مرکزی مواجه می‌شود اما در نهایت و از دیدگاه کلان، پشتیبانی بانک مرکزی به همراه خواهد بود !

علت قرار گرفتن در چنین شرایطی را باید در رفتار سیاست گذار جست‌وجو کرد: ۱- سیاست گذاری بدون در نظر گرفتن سود آوری سیاست برای سیاست پذیران، ۲- عدم کنترل مناسب و بجا در خصوص نرخ پول ۳- عدم مقابله جدی و قاطع با اضافه برداشت بانکها ۴- ورود به مثابه یک رقیب به بازارهای مالی و جست‌وجوی راهکار عمل برای بنگاه بزرگی به نام دولت.

مواردی از این قبیل کار را به اینجا کشانده است. جایی که فعالیت بانکی، کسب و کاری پرخطر شده و در بعضی بانکها به تولید زیان انباشته منجر می‌شود و از سوی دیگر فعالیت بانکی را به ابزاری برای بانکداری بنگاهها به نفع مصالح سازمانی تبدیل کرده است.

بانک داشتن عادت بسیاری از بنگاه‌های بزرگ شده است. عادتی که کارکردهای اصلی صنعت بانکداری را با چالش مواجه می‌سازد. صنعتی که سالها منشأ بسیاری از اتفاقات بزرگ و تاثیرگذار است.